

چهارده گفتار در متن‌شناسی شاهنامه

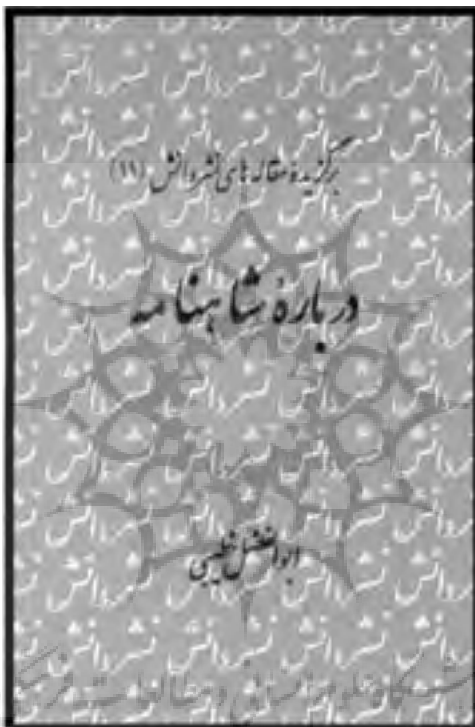
سجاد آیدنلو

شناخته شده، دستنویسی است متعلق به خاندان سعدلو (از خاندانهای نخجوان و آذربایجان) که به کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی سپرده شده و به عقیده شماری از نسخه‌شناسان صاحب‌نظر، از سده هشتم هجری است. مقاله «شاهنامه‌ای کهن (همخوانی بخشی از نسخه «سعدلو» با کهن‌ترین نسخه کامل شاهنامه)» پس از مقالات استاد افشار و دکتر مجتبی‌ی در مجله آینده،^۴ مقدمه دکتر مجتبی‌ی بر چاپ عکسی نسخه^۵ و جستار استاد خرمشاهی و آقای جهانبخش^۶، تازه‌ترین گفتار مستقل و دقیقی است که به بررسی ضبطهای این دستنویس پرداخته است. نتیجه کوشش نویسنده در مقابله این نسخه با بخش بزرگی از نسخه بدلهای مجلدات اول تا پنجم شاهنامه دکتر خالقی مطلق و عکس نسخه‌های مورد استفاده در این تصحیح از پادشاهی اسکندر تا پایان شاهنامه، این است که دستنویس سعدلو / دایرةالمعارف بزرگ اسلامی خویشاوندی متغیری دارد و به طور کامل با هیچ یک از پانزده نسخه معتبر شاهنامه هم‌خانواده نیست. اما ویژگی مهم آن این است که در قسمتی از شاهنامه (از اواخر پادشاهی بلاش تا قسمتی از شهریاری انوشیروان) ضبطهای بسیار مشابه و نزدیکی با کهن‌ترین نسخه کامل شاهنامه (بریتانیا / لندن ۶۷۵ ه.ق) دارد و بعضی از صورت‌های منفرد این دستنویس را همراهی و تأیید می‌کند.

دو مقاله «داستان بهرام گور و آزاده و نکاتی در تصحیح متن شاهنامه» و «شده لاله در چنگ گلبن قدح» درباره «تصحیح» مصرع‌هایی از شاهنامه است. در گفتار نخست، صورت درست مصرعی از داستان بهرام گور و کنیز کش، آزاده، در نخچیرگاه به دست داده شده (چو از زیرپای هیون در بمرد) و با بررسی گزارشهای این داستان در منابع مختلف، الحاقی بودن چند بیت در این بخش از شاهنامه اثبات شده است. مشخصه نمایان این مقاله استقصای تقریباً تام محقق گرامی در یافتن و مقایسه روایت بهرام و کنیزک او در مآخذ مختلف فارسی و عربی است. در یادداشت کوتاه دوم نیز مصراع «شده ژاله بر گل چو مل در قدح»^۶ براساس ضبطهای پانزده نسخه معتبر و کهن شاهنامه (پایه تصحیح دکتر خالقی مطلق) و ضوابط تصحیح انتقادی به این صورت تصحیح شده است: «شده لاله در چنگ گلبن قدح».

در مبحث مهم «بیت‌های اصیل و الحاقی شاهنامه» دو تحقیق قابل توجه در این مجموعه آمده است. یکی «بیت‌های زن سزیزانه در شاهنامه» که در بخش نخست آن مطابق معیارهای نسخه‌شناسی و اصول علمی تصحیح نشان داده شده که بسیاری از بیت‌هایی که مفهوم آنها طعن و نکوهش زنان است، برخلاف شهرت عام، در اصل سروده فردوسی نیست و بعدها کاتبان و خوانندگان شاهنامه بر دستنویسهای آن الحاقی کرده‌اند. در بخش دوم هم این نکته مطرح شده که بیت‌های اصیل فردوسی که در آنها ذم زنان دیده می‌شود جز از یک بیت، همه از زبان اشخاص داستان و برگرفته از

به ملاک ششم یعنی «ارزیابی دقیق شیوه کار کاتب این دستنویس و سنجش آن با نسخه‌های دیگر» پرداخته و با شواهد گوناگون نشان داده که کاتب این نسخه مردی باسواد و ناظم بوده که در برخی از انواع اشتباهات متداول میان ناسخان (مانند: نوشتن آغاز مصراع قبل یا بعد به جای مصراع دوم بیت، کتابت مصراع دوم چند بیت بعد و تغییرات دلخواهی) گاهی به جای اصلاح خطا، خود واژه‌ها، تعابیر و مصراع‌هایی ساخته و به نام فردوسی در نسخه‌اش وارد کرده است. بعضی از محققان شاهنامه بدون توجه به این نکته،



ضبط برساخته کاتب را به عنوان سروده فردوسی به متن تصحیح شده خویش برده‌اند. ایشان به درستی خاطر نشان کرده‌اند که خوش ذوقی کاتب نسخه بریتانیا از اعتبار کلی آن در رده‌بندی نسخ شاهنامه نمی‌کاهد و این نسخه پس از فلورانس همچنان معتبرترین دستنویس شاهنامه است. در مقاله «اصالت کهن‌ترین نسخه شاهنامه (فلورانس، ۶۱۴ ه.ق)» به مقالاتی که اصالت تاریخی انجامه نسخه فلورانس (۶۱۴ ه.ق) و اعتبار آن را مخدوش دانسته‌اند،^۷ اشاره شده و با نقد رؤس موارد این گفتارها به ویژه فرضیه تأثیر گونه زبانی کاتب دستنویس بر ضبطهای آن و نیز ارائه نمونه‌هایی از صورت‌های درست و درخور توجه نسخه در داستان رستم و سهراب، تأکید و تصریح شده که نسخه فلورانس کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس فعلاً شناخته شده شاهنامه است.

قدیمی‌ترین نسخه شاهنامه که تا امروز در «ایران»

در باره شاهنامه، برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۱۱). ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵، ۲۵۲ ص. ۲۳۰۰۰ ریال.

در میان شعب و زیربخش‌های دانش شاهنامه‌شناسی، «متن پژوهی» - ولو در مفهوم سنتی آن - از کهن‌ترین و پراقبال‌ترین زمینه‌هاست. اگر کوشش حمدالله مستوفی را برای مقابله چند نسخه شاهنامه و فراهم آوردن دستنویسی در ۶۰ هزار بیت، نخستین اهتمام جدی در این باره بدانیم، پیشینه‌ای حدوداً هفتصد ساله دارد. در ایران صرف نظر از یادداشت‌ها و نظریات کسانی چون شادروان استاد ملک الشعرای بهار شاید بتوان انتشار داستان رستم و سهراب بنیاد شاهنامه (سال ۱۳۵۲ ه.ش) را مبدأیی برای رویکردهای علمی محققان و منتقدان به مسائل متنی شاهنامه دانست که با چاپ دفترهایی از متن و یادداشت‌های شاهنامه دکتر جلال خالقی مطلق و نیز مقالات پژوهشگران دیگر درباره این چاپ یا براساس نسخه بدلهای آن، به یکی از درخشانترین مراحل پیشرفت علمی خود رسیده است.

در کارنامه متن‌شناسی حماسه ملی ایران در چند سال اخیر (دهه ۸۰ شمسی) آقای ابوالفضل خطیبی، عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همکار دکتر خالقی مطلق در تصحیح دفتر هفتم شاهنامه، از محققانی است که به مناسبت پرداختن چند ساله به تصحیح علمی - انتقادی شاهنامه، مقالات تخصصی متعددی در این حوزه منتشر کرده‌اند. این گفتارها چون حاصل تجربه‌های تصحیح و استقصا در دستنویس‌های معتبر شاهنامه بوده، در توضیح برخی از اصول انتقادی متن پژوهی به طور کلی و تصحیح علمی شاهنامه به طور خاص و همچنین روشن شدن نکته‌هایی تازه در شاهنامه‌شناسی بسیار مؤثر و راهگشا بوده است.

اینک مایه خوشوقتی است که گزیده‌ای از این گفتارهای تخصصی، گردآوری و در اختیار علاقه‌مندان و محققان شاهنامه‌نهاد شده است. مجموعه درباره شاهنامه شامل چهارده مقاله است که پیشتر در فاصله سالهای (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴) در دو مجله نشر دانش (۱۲ مقاله) و نامه ایران باستان (۲ مقاله) از نشریات معتبر مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است. گرچه هر چهارده مقاله این مجموعه درباره موضوعات متن و تصحیح شاهنامه است ولیکن اگر به صورت جزئی‌تر به طبقه‌بندی موضوعی آنها بپردازیم می‌توان آنها را در شش گروه: نسخه‌شناسی، تصحیح بیت‌ها، بازشناسی ابیات اصلی و الحاقی، واژه‌شناسی، نقد و معرفی کتاب گنجاند.

در موضوع نخست (نسخه‌شناسی) سه مقاله در این مجموعه آمده است. در گفتار «کتاب خوش ذوق و دردسر مصحح (درباره کهن‌ترین نسخه کامل شاهنامه ۶۷۵ ه.ق)» نویسنده پس از برشمردن شش معیار مهم برای تشخیص ضبطهای اصیل کهن‌ترین نسخه کامل شاهنامه، بریتانیا / لندن (۶۷۵ ه.ق) از صورت‌های برساخته آن، صرفاً

منبع منثور شاهنامه است نه دیدگاه خود فردوسی. نگارنده ناگزیر از اظهار این شگفتی است که هنوز عده‌ای بیت برساخته و موهن «زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به» را از فردوسی می‌دانند، حال آنکه الحاقی بودن آن در مقاله مورد بحث به خوبی ثابت شده (صص ۳۴ و ۳۵) و راقم این سطور نیز در گفتاری ویژه^۱ این بیت نشان داده است که احتمالاً این نمونه هم از بیت‌های دخیل نسخه گرشاسپ‌نامه در دستنویسهای متأخر شاهنامه است.^۲ مقاله دوم که به لحاظ موضوع و اهمیت آن همسان گفتار نخست است، «بیت‌های عرب ستیزانه در شاهنامه» نام دارد و به بررسی بیت‌های مربوط به خوارداشت تازیان در بخش به اصطلاح تاریخی شاهنامه (به ویژه دوره یزدگرد سوم) می‌پردازد. نتیجه بررسی این است که غالب ابیات از این دست – همچون بیت‌های تحقیر زنان – برافزوده کاتبان است از جمله دو بیت معروف «ز شیر شتر خوردن و سوسمار / عرب را په جایی رسده است کار...» و بیت بسیار مشهوری که معمولاً – حتی از سوی خواص و محققان هم – از زبان فردوسی و به نام او خوانده و دانسته می‌شود: بسی رنج بر دم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی. درخور یادآوری است که پیشتر برخی از شاهنامه‌شناسان دیگر نیز به الحاقی بودن این چند بیت متداول اشاره کرده بودند.^۳ تنها مقاله مربوط به «واژه‌شناسی شاهنامه»، «چوباز هش آمد شه سرفراز» است که نقدی است بر مقاله‌ای از دکتر سعید حمیدیان درباره چگونگی تلفظ حرف اضافه (باز) نویسنده به استناد شواهدی از جمله چند بیت شاهنامه‌نشان داده‌اند که در تاریخ زبان فارسی تلفظ این واژه از سکون (باز/bāz) به کسره (باز/bāze) تحول یافته، اما در کنار این صورت تغییر یافته، خواتش کین تر آن (باز) نیز کاربرد داشته است.

شاید یکی از جنجال برانگیزترین و در عین حال غیرعلمی‌ترین مباحثی که اخیراً در حوزه شاهنامه‌شناسی مطرح شده، فرضیه «شفاهی بودن منابع شاهنامه» از دو پژوهشگر امریکایی، الگا دیویدسن و دیک دیویس است. نظریات اساسی دیویدسن در دو کتاب او – که هر دو به فارسی نیز ترجمه شده – آمده است: شاعر و پهلوان در شاهنامه؛ ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی. از هنگام انتشار این دیدگاه، برخی از شاهنامه‌شناسان ایرانی به نقد وردان برخاستند و از جمله دکتر امیدسالار در مقاله‌ای با نام «در دفاع از فردوسی» کتاب نخست (شاعر و پهلوان...) را مورد بررسی انتقادی قرار داد.^۴ مقاله «جدلیهای جدید درباره شاهنامه از منظر ادبیات تطبیقی» نیز نقدی است بر کتاب دوم دیویدسن (ادبیات تطبیقی...) که در واقع مجموعه‌ای است از چند مقاله. توجه اصلی این مقاله نقد بر دو نکته است: الف) بررسی شیوه پاسخگویی دیویدسن به منتقدان فرضیاتش؛ ب) رد مستدل ادعای بی‌پایه او درباره تأخذ گفتاری شاهنامه. این نقد به دقت روشن می‌کند که کارهای محقق امریکایی، ضعف عمده روشن‌شناسی دارد.

بلندترین مقاله مجموعه درباره شاهنامه، «انتخاب اقدم یا ترجیح اصح؟ (۱ و ۲)» است که در دو قسمت به نقد بخشی (حدود ۴۵۰ بیت از جلد هشتم) متن شاهنامه معروف به چاپ مسکو پرداخته و دقیق‌ترین و مفصل‌ترین بررسی علمی این تصحیح از شاهنامه است که تاکنون منتشر شده. به نظر ناقد این تصحیح که در زمان خود تحول مهمی در متن‌شناسی شاهنامه بود و هنوز اعتبار نسبی آن محفوظ است، چند ایراد اساسی دارد که عبارت است از: اعتماد بیش از اندازه به نسخه اساس، شمار اندک و

نابسنده نسخه‌های پایه کار، کم‌توجهی به منابع جنبی دیگر در تصحیح، عدم بررسی کافی برای انتخاب نسخه‌های شاهنامه از کتابخانه‌های کشورهای دیگر (غیر از شوروی)، کم‌توجهی به ثبت دقیق نقطه‌دار یا بی نقطه بودن واژه‌ها در نسخ، کم‌دقتی در آوردن نسخه بدلها و پیروی زیاد از ترجمه عربی بُنداری در دو جلد نخست. درباره شاهنامه چاپ مسکو پیش از این مقاله ممتع، دو نقد نوشته شده است. یکی از دکتر علی رواقی که مورد اشاره منتقد هم بوده (صص ۱۵۴ و ۱۷۸) و دیگری از دکتر جهانبخش نوروزی که ظاهراً فقط خلاصه‌ای از آن در چکیده مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی چاپ شده است.^۵

سومین مقاله نقد این مجموعه، «متن انتقادی یا متن دلخواهی؟»، درباره شاهنامه چاپ مرحوم دکتر پرویز اتابکی (هنگام چاپ این نقد در قید حیات بودند) است و در آن با توضیح مفهوم اصطلاح «متن / تصحیح انتقادی» و ذکر نمونه‌هایی از لغزشهای کتاب، تصریح شده است که این چاپ از شاهنامه برخلاف نوشته روی جلد آن (متن انتقادی با مقابله با ۱۲ نسخه)، تصحیح انتقادی نیست.

سه گفتار پایانی مجموعه، معرفی چهار اثر ارزشمند شاهنامه‌شناسی است: ۱. شاهنامه فردوسی [چاپ بمبئی] تصحیح و توضیح ملک‌الشعرا بهار، به کوشش علی میرانصاری (تهران: استاد، ۱۳۸۰). ۲. یادداشت‌های شاهنامه، دکتر جلال خالقی مطلق (نیویورک: بنیاد میراث ایران، ۱۳۸۰، بخش یکم). ۳. سخنهای دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)، از دکتر جلال خالقی مطلق، به کوشش علی دهباشی (تهران: افکار، ۱۳۸۱). ۴. جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی، دکتر محمود امیدسالار (تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱).

از این کتابها، اثر نخست به دلیل نظریات و استنباط‌های هوشمندانه استاد بهار در تصحیح و توضیح ابیات شاهنامه و به عنوان نمونه‌ای از تحقیقات پیشگام شاهنامه‌شناسی در ایران بسیار درخور توجه است.^۶ و «یادداشت‌های شاهنامه» – که بخش دوم آن نیز منتشر شده – بی‌گرافه دایرةالمعارف شاهنامه پژوهی و حاصل بیش از سی سال کدو کاو در ادب حماسی ایران است. آن دو مجموعه دیگر هم در بردارنده مقالات مهم و سودمندی است که داشتن و خواندن آنها برای همه علاقه‌مندان، پژوهندگان و خوانندگان شاهنامه به اصطلاح «واجب عینی» شمرده می‌شود.^۷

از ویژگیهای برجسته مجموعه درباره شاهنامه این است که خواننده در کنار آگاهی از نکات نویافته درباره مسائل مختلف شاهنامه پژوهی – به ویژه موضوعات متنی آن – با بعضی از مهمترین اصول و اصطلاحات تصحیح انتقادی متن (با محوریت شاهنامه) نیز آشنا می‌شود. مثلاً: لزوم وجود منطق درونی متن، چگونگی بهره‌گیری از مآخذ جنبی برای تصحیح و تحقیق شاهنامه، ضبط دشوارتر برتر است، کدام صورت می‌تواند / احتمال دارد به صورت دیگر تبدیل شده باشد و... از همین روی مطالعه آن به همه علاقه‌مندان تصحیح متون فارسی خصوصاً منتقدان، شارحان و ویراستاران شاهنامه پیشنهاد می‌شود.

در پایان دو نکته بسیار جزئی برای توجه در چاپ‌های سپسین این کتاب یادآوری می‌گردد. الف) نام کتاب دکتر حسین رزمجو «سیرری در قلمرو ادب حماسی» ذکر شده (ص ۴۳، زیرنویس ۱۰) که صورت درست آن قلمرو ادبیات حماسی ایران است. ب) بخش یکم «یادداشت‌های شاهنامه» دکتر خالقی مطلق شامل توضیحات «دو» دفتر از تصحیح

ارزشمند ایشان است نه فقط دفتر «یکم» که در معرفی آن اشاره شده (ص ۳۳۵).

امید است سایر مقالات و نقدهای آقای خطیبی نیز در حوزه شاهنامه و ادب حماسی ایران که در مجلات دیگر (به ویژه نامه فرهنگستان) و یادنامه‌ها، ارج نامه‌ها و دایرةالمعارفها چاپ شده است در مجموعه یا مجموعه‌های جداگانه دیگری گردآوری و چاپ شود.

۱. نویسنده در پیشگفتار مجموعه (ص چهار) محدوده زمانی چاپ قبلی مقالات را از سال ۱۳۷۸ دانسته‌اند ولی قدیمی‌ترین گفتار این مجموعه «متن انتقادی یا متن دلخواهی؟» است که در شماره بهار ۱۳۷۹ نشر دانش چاپ شده است.

۲. غیر از منتقدان نام برده در این مقاله، استاد نجیب مایل هروی نیز تاریخ نسخه فلورانس را مجبول، کتاب آن را مربوط به قرن هشتم و منتشر را سست و نااستوار دانسته‌اند. رک: نجیب مایل هروی، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، (تهران: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس، ۱۳۸۰)، صص ۵۶، ۵۷ و ۵۷۵.

۳. ایرج افشار، «به شهنامه نظر کن تا ببینی»، آینده، ۱۸، ۱۳۷۱)، صص ۴۶۶ – ۴۶۵، فتح‌الله مجتبیایی، «نسخه‌های کهن از شاهنامه فردوسی»، آینده، ۱۹، ۱۳۷۲)، صص ۳۰۱ – ۲۹۱.

۴. شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظمی، (تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹)، صص پنج تا سیزده.

۵. به‌الدین خرمشاهی و جویا جهانبخش، «ناموس چند ساله اجداد نیکام»، بخار، ۲۳، (فروردین – اردیبهشت ۱۳۸۱)، صص ۳۵۶ – ۳۳۷.

۶. شاهنامه (براساس چاپ مسکو)، به کوشش سعید حمیدیان، ج ۲ (تهران: قطره، ۱۳۷۴)، ج ۸، ص ۱۱، بیت ۷۷.

۷. سجاد آیدنلو، «این بیت از فردوسی نیست»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۹، ش ۱، (پیاپی ۹۷)، (آبان ۱۳۸۴)، صص ۵۵ – ۵۰.

۸. برای نمونه، رک: جلیل دوستخواه، «نقد یا نفی شاهنامه»، کلاک ش ۳۱، (مهر ۱۳۷۱)، ص ۷۱؛ هومو، «شاهنامه‌شناسی: در راه‌هایی از آشوب»، آشناس ۵، ش ۲۹، (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، صص ۲۳ و ۲۲؛ محمدامین ریاحی، «یادگیری حماسی در زمانه خواری و سرشکستگی»، چهل گفتار در ادب و فرهنگ و تاریخ ایران، (تهران: سخن، ۱۳۷۹)، ص ۲۰۲.

9. Mahmoud Omidasalar, «Unburdening Ferdowsi», *Journal of American Oriental Society*, vol. 611, No. 2, (April - May 1996).

و برای ترجمه فارسی آن، رک: «در دفاع از فردوسی»، ترجمه ابوالفضل خطیبی، نامه فرهنگستان، س ۳، ش ۴ (پیاپی ۱۲)، (زمستان ۱۳۷۶)، صص ۱۴۰ – ۱۲۰.

۱۰. رک: جهانبخش نوروزی، «ششصد مورد اصلاح قیاسی یا اساسی در شاهنامه چاپ مسکو»، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (۲۷ – ۳۰ خرداد ۱۳۸۱)، (تهران: دایرةالسینر، ۱۳۸۱)، ص ۵۲۱.

۱۱. درباره اهمیت یادداشت‌های استاد بهار از نظر متن‌شناسی شاهنامه غیر از مقدمه آقای علی میرانصاری بر شاهنامه بهار، رک: سجاد آیدنلو، «بهار و تصحیح شاهنامه»، ارج نامه فرهنگستان (شعرای بهار، تألیف و تدوین علی میرانصاری، (تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، ۱۳۸۵)، صص ۲۹۵ – ۲۸۱.

۱۲. برای معرفی و بررسی این سه کتاب اخیر، همچنین رک: سجاد آیدنلو، «ملاحظاتی در باب یادداشت‌های شاهنامه»، نامه ایران باستان، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۶)، (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، صص ۷۱ – ۳۹؛ هومو، «سخنهای دیرینه یادآوریم»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۷، ش ۲ (پیاپی ۷۴)، (آذر ۱۳۸۲)، صص ۱۱۷ – ۱۰۸؛ هومو، «هاوردی ایرانی از غرب برای شاهنامه پژوهی»، همان، س ۷، ش ۷ (پیاپی ۷۹)، (اردیبهشت ۱۳۸۳)، صص ۱۲۷ – ۱۲۶.